




Taboo Words in Contemporary Persian Literature: A Case Study of Works of Sadeq Hedayat and Sadeq Chubak

Nasrin Dohani Semiromi¹, Mozhgan Hooshmand², Reza Rezaei³

¹Master student, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran.

²*Assistant Professor, English Department, Faculty of Humanities, Yasouj University, Iran.

³Assistant Professor, English Department, Faculty of Humanities, Yasouj University, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

This study was an attempt to explore and identify taboo words in some notable works of contemporary Persian literature. To this end, we have studied the works of Sadeq Hedayat (The Blind Owl and The Stray Dog), and Sadeq Chubak (Tangsir and Sang Sabur). The research method is qualitative - quantitative and based on Wardhough's theory (1992) in sociolinguistics. It investigates different types of taboo words, including sexual, animal, family, religion, death, and disease taboos. The result showed that taboo words related to death and mental - physical states and diseases were more prevalent in Hedayat's works but less frequently compared to Chubak's. Chubak, on the other hand, was found to have used more sexual and animal taboo words in his works. In both, men were engaged in some psychological and physical states, and while being sexual, they revealed their pains and sufferings using mental - physical and sexual taboos. The structure of male characters in these stories demonstrates the ignorance and misery of the Iranian people in that era. Female characters are also involved in superstition, ignorance, and misery and form their personality structure using terms relating to sexual and emotional states.

Received:
21/02/2021
Accepted:
22/08/2021

Keywords: Taboo Words, Gender, Sociolinguistics, Sadeq Hedayat, Sadeq Chubak

Cite this article: Dohani Semiromi, Nasrin, Hooshmand, Mozhgan, Rezaei, Reza .(2022). Taboo Words in Contemporary Persian Literature: A Case Study of Works of Sadeq Hedayat and Sadeq Chubak, *Interdisciplinary research in persian Language and literature*, Vol. 1, New Series, No.1, spring and summer 2022: pages:193-211.



DOI: 10.30479/irpli.2021.15054.1026

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Mozhgan Hooshmand

Address: Assistant Professor, English Department, Faculty of Humanities, Yasouj University, Iran.

E-mail: m.hooshmand@yu.ac.ir

دشوآزه‌ها در آثار ادبی معاصر فارسی؛

(مطالعه موردی آثار صادق هدایت و صادق چوبک)*

نسرین دهانی سمیرمی^۱، مژگان هوشمند*^۲، رضا رضایی^۳

*^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

^۲ استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

^۳ استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

اطلاعات مقاله چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد تا دشوآزه‌ها را در برخی از آثار مشهور ادبیات داستانی فارسی واکاوی کند. بدین منظور در این پژوهش به‌صورت موردی، به بررسی آثار صادق هدایت (یوف کور و و سگ ولگرد) و صادق چوبک (تنگسیر و سنگ صبور) پرداخته شده است. روش پژوهش، کیفی- کمی و براساس رویکرد وارداف (۱۹۹۲) در زبان‌شناسی اجتماعی است. در پژوهش حاضر، انواع دشوآزه‌های جنسی، حیوانات، خانواده، مذهب، مرگ، بیماری و دشوآزه‌های عمومی (درب‌گیرنده حوزه‌های کلی و متفاوت از موارد پیشین) مورد بررسی شده است. نتیجه پژوهش بیانگر این امر است که دشوآزه‌های مربوط به مرگ و حالات روانی- جسمی در آثار هدایت بیشتر از دشوآزه‌های دیگر به‌کار رفته است؛ اما در مقایسه با آثار چوبک، بسامد کمتری دارد؛ درحالی‌که چوبک در آثار خود بیشتر دشوآزه‌های جنسی، حالات دفعی و حیوانات را به‌کار برده است. در آثار هر دو نویسنده، مردان درگیر ویژگی‌های روانی و جسمی هستند و دردها و رنج‌های خود را با استفاده از دشوآزه‌های روانی- جسمی و جنسی بیان می‌کنند. این آثار، آینه تمام‌نمای جهل و بدبختی مردم ایران در آن دوره است. شخصیت‌های زن نیز به‌نوبه خود، درگیر خرافه‌پرستی، جهل و بدبختی بوده و وجوه شخصیتی خود را با استفاده از واژه‌هایی که مربوط به حالات جنسی و روحی و روانی است، شکل داده‌اند.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۳۹۹/۱۲/۰۳

پذیرش:

۱۴۰۰/۰۵/۳۱

کلمات کلیدی: دشوآزه، جنسیت، زبان‌شناسی اجتماعی، صادق هدایت، صادق چوبک

استاد: دهانی سمیرمی، نسرین، هوشمند، مژگان، رضایی، رضا. (۱۴۰۱). دشوآزه‌ها در آثار ادبی معاصر فارسی (مطالعه موردی آثار

صادق هدایت و صادق چوبک)، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال اول، دوره جدید، شماره اول،

بهار و تابستان ۱۴۰۱: ۲۱۱-۱۹۳.



DOI : 10.30479/irpli.2021.15054.1026

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

از آنجاکه زبان، مهم‌ترین ابزار ارتباطی انسان و پدیده‌ای اجتماعی است، همواره به بُعد اجتماعی آن در پژوهش‌های زبان‌شناختی توجه شده است. ارتباط تنگاتنگ و دوسویه زبان با جامعه، در زبان‌شناسی اجتماعی بررسی شده است و زبان در بطن اجتماعی - فرهنگی بررسی می‌شود. در واقع می‌توان گفت که «زبان‌شناسی اجتماعی سعی دارد تعامل بین زبان و جامعه را با در نظر گرفتن ویژگی‌های زبانی از قبیل: عوامل دستوری و واژگانی و همچنین ویژگی‌های اجتماعی افراد مانند سن، جنس، تحصیلات، هویت، شغل و غیره مورد بررسی قرار دهد. یکی از کاربردهای مهم زبانی و اجتماعی، استفاده از دشواژه‌ها در جایگاه‌های مختلف اجتماعی است» (فیشمن، ۱۹۷۱: ۸).

هر جامعه‌ای معیارهایی برای ارج نهادن یا ضد ارزش تلقی کردن برخی رفتارها دارد که ممکن است با معیارهای جوامع دیگر متفاوت باشد: «اصول اخلاقی حاکم بر جامعه، ممنوعیت‌هایی را در رفتارها و گفتارهای اجتماعی قائل می‌شود. دشواژه زبانی در واقع یکی از انواع دشواژه‌های اجتماعی است که به ممنوعیت‌ها در رفتار زبانی اطلاق می‌گردد» (آرلاتو، ۲۷۲: ۱۳۷۳). در واقع افراد برآنند که از اصولی حاکم بر کاربرد زبان تبعیت کرده و از به‌کاربردن واژگان و اصطلاحات ممنوع اجتناب کنند؛ این دسته از واژگان را «دشواژه» و یا به‌طور کلی «تابو» می‌نامند. دشواژه در ادبیات هر کشوری، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین بررسی آن‌ها در رمان‌ها و داستان‌های ادبی به ما کمک خواهد کرد که الگو و جایگاه این واژه‌ها را در درجه اول در ادبیات خود و سپس در جامعه‌ای که زندگی می‌کنیم، بهتر بشناسیم.

در این راستا، پژوهش حاضر با بررسی آثار صادق هدایت و صادق چوبک در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

۱. وجوه افتراق و اشتراک دشواژه‌ها و بسامد کاربرد آن در آثار صادق هدایت و صادق چوبک چگونه است؟

۲. آیا در آثار این دو نویسنده، کاربرد دشواژه‌ها برای شخصیت زن و مرد داستان متفاوت است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

«ترادگیل» (۱۳۷۶: ۴۱) در *زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدهای بر زبان و جامعه* به جادوی کلمات اشاره می‌کند و معتقد است که جادوی واژه‌ها، نقشی تعیین‌کننده در باورهای دینی دارند و مردم واژه‌هایی را که پر قدرت تلقی می‌شوند، در زندگی روزمره خود به‌کار می‌برند. او به‌کاربردن واژه‌های تابو را به‌عنوان فحش، نشان‌دهنده قدرت آن‌ها می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که استفاده از دشواژه‌ها در بافت‌های

غیرمجاز کلام، نظیر تلویزیون، باتوجه به ذهنیت مخاطبان از برخی واژه‌ها، به واکنش‌های تنیدی از قبیل انزجار و وحشت می‌انجامد. او این نوع واکنش به‌ظاهر نامعقول را به کاربرد واژه خاصی نسبت می‌دهد، نه به مفهوم آن واژه؛ چراکه برای مثال، ذکر مفهوم «جماع» در تلویزیون کاملاً مجاز است؛ بنابراین دشواژه را به‌وضوح واقعیتی زبانی و اجتماعی می‌داند.

«آرلاتو» (۱۳۷۳: ۲۷۲) در *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی* تابو را جزو آن دسته از عواملی می‌داند که گذشته از اهمیتی که در توصیف و دسته‌بندی وقایع تاریخی خاص دارند، در بسیاری از موارد، علت یا انگیزه پیدایش، از بین رفتن و تغییر صورت‌های زبانی نیز هستند. وی معتقد است تابوی زبانی را می‌توان به پرهیز از کاربرد واژه‌هایی معین به دلایل اجتماعی گوناگون تعبیر کرد.

در ادامه به برخی از آثار داخلی که به این مسئله پرداخته‌اند نیز اشاره می‌شود. معدنی (۱۳۷۸) در مقاله خود با عنوان «*مروری اجمالی بر تابوی زبانی و انواع آن*» مروری بر دشواژه‌های زبانی و انواع آن داشته و معتقد است که دو نوع دشواژگی وجود دارد: دشواژگی کامل و دشواژگی ناقص. دشواژگی ناقص فقط در کاربردها و موقعیت‌های خاص، محدودیت کاربردی پیدا می‌کند؛ در واقع در این حالت، دشواژه کاملاً از زبان کنار گذاشته نمی‌شود. وقتی دشواژه به چنان درجه‌ای از بار منفی برسد که قریب به اتفاق مردم از شنیدن و بیان آن اکراه داشته باشند، آن نوع دشواژگی کامل است.

«جانلو» (۱۳۸۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «*بازنویسی بوف کور در گزارش به نسل بی سن فردا*» به میزان استفاده زنان و مردان فارسی‌زبان از ساختارهای خنثی‌کننده و واژه‌های خوشایند به‌جای دشواژه‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی نشان داده است که جنسیت در میزان استفاده از ساختارهای خنثی‌کننده و واژه‌های خوشایند نقش دارد؛ به عبارت دیگر، زنان بیشتر از مردان از ساختارهای خنثی‌کننده و واژه‌های خوشایند به‌جای دشواژه‌ها استفاده می‌کنند.

«شکیبا» (۱۳۸۱) در مقاله خود با عنوان «*نقد مکتبی داستان‌های صادق هدایت*» به‌طور مستقیم به دشواژه‌های زبان فارسی پرداخته است که براساس نتایج به‌دست آمده، فرضیه محقق مبنی بر هم‌بستگی متغیر مستقل جنسیت (به‌طور شاخص) متغیرهای اجتماعی سن و تحصیلات با متغیر وابسته زبانی دشواژه‌ها مورد تأیید قرار گرفته است.

«مجلسی» (۱۳۸۶) در «*نقد و تفسیر آثار صادق هدایت*» به پژوهش موردی در دبیرستان‌های تهران پرداخته است. از میان متغیرهایی که وی تحت عنوان خشونت زبانی به بررسی آن‌ها پرداخته، متغیر ناسزاگویی است که البته ناسزاگویی، بخشی از دشواژه‌ها را تشکیل می‌دهد. نتایج حاصل از این پژوهش بدین قرار است: پدیده خشونت از جمله ناسزاگویی در گفتمان مدرسه وجود دارد که با جنسیت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد هم‌بستگی نشان می‌دهد.

«مدرس خیابانی» (۱۳۹۲) در «بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز سیما» میزان رعایت نزاکت زبانی در مجموعه‌های طنز سیما را با کمک دستاوردهای زبان‌شناسی پیکره‌بنیاد بررسی نموده است. این بررسی نشان می‌دهد که تعداد دشواژه‌ها و موارد نامناسب گفتاری، در مقایسه با کل واژه‌های پیکره، اندک است؛ اما با توجه به نقش مهم صدا و سیما در ایجاد فرهنگ مناسب اجتماعی و تأثیر آن در سبک زندگی خانواده‌ها، توجه به چنین مواردی که مسلماً تأثیر بسیاری بر مخاطب این برنامه‌ها، به‌ویژه بینندگان نونهال و نوجوان می‌گذارد، امری خطیر محسوب می‌شود.

«احمدآبادی» (۱۳۹۳) نیز به «بررسی تابوهای زبانی در اشعار مثنوی مولانا» پرداخته است. داده‌ها از شش دفتر مثنوی گردآوری شده و بسامد هر نوع دشواژه و نیز دلیل استفاده مولوی از دشواژه‌ها در اشعارش بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در دفتر پنجم بیش از ۳۳۹ دشواژه به‌کاررفته و همچنین نام حیوانات در قالب فحش و ناسزا ۲۴ درصد دشواژه‌ها را به خود اختصاص داده است؛ همچنین نتایج نشان داده است که حُسن و قبح دشواژه‌ها، مسأله‌ای عرفی و تابع شرایط زمان و مکان است.

«تیموری» (۱۳۹۸) نیز در مقاله خود با عنوان «نگارش دوسطری‌های زیبا و پرمعنا» به بررسی دشواژه‌های رایج در جامعه ایران و توانایی متون داستانی در معرفی این دشواژه‌ها می‌پردازد. پژوهشگر پس از انتخاب رمان‌ها و بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که دشواژه‌های جامعه ایرانی، در سه دسته مهم دشواژه‌های جنسی، دشواژه‌های قدرت و دشواژه‌های عرفی و عمومی دسته‌بندی می‌شوند که تحت تأثیر نگارش داستان و شرایط اجتماعی و تاریخی آن دوران تغییر می‌کنند؛ همچنین جنسیت نویسنده نیز در انتخاب این دشواژه‌ها مؤثر است.

۲-۱. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر کیفی- کمی بوده و در آن دشواژه‌های جنسی، حیوانات، خانواده، مذهب، مرگ، بیماری و همچنین دشواژه‌های عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های جمع‌آوری شده از متون مورد نظر، با استفاده از نرم‌افزار اکسل تنظیم و براساس رویکرد نظری وارداف (۱۹۹۲) تقسیم‌بندی شده‌اند. پس از طبقه‌بندی این دشواژه‌ها، بسامد استفاده آن‌ها توسط جنسیت‌های مرد و زن نشان داده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر نیز شامل دو کتاب بوف کور و و سگ ولگرد از صادق هدایت و تنگسیر و سنگ صبور از صادق چوبک است.

۳-۱. معرفی آثار و نویسندگان

صادق هدایت، نویسنده، مترجم و روشنفکر ایرانی است. او را همراه محمدعلی جمال‌زاده، بزرگ علوی و صادق چوبک، یکی از پدران داستان‌نویسی نوین ایرانی می‌دانند. هدایت از پیشگامان داستان‌نویسی نوین ایران و روشنفکری برجسته بود (رضی و بهرامی، ۱۳۸۵). وی نخستین داستان‌های خود را با نام‌های *های مادزن*، *زنده‌به‌گور*، *اسیر فرانسوی* و *حاجی مراد* در سال ۱۳۰۹ منتشر کرد و علاوه بر آن، کتاب‌های تحقیق و طنزآمیزی چون: *ترانه‌های خیام*، *اوسانه*، *فوائد گیاه‌خواری*، *وغ وغ ساهاب* و *نیرنگستان* و ترجمه چند متن پیش از اسلام، همچون: *گجسته ابالیس*، *کارنامه اردشیر پاپکان*، *گزارش گمان‌شکن*، *زند و هومن یسن* و همچنین ترجمه داستان‌های *دیوار ژان پل سارتر* و *مسخ کافکا* را نیز منتشر کرد. مجموعه داستان‌های *زنده به گور* (۱۳۱۰)، *سه قطره خون* (۱۳۱۱)، *علویه خانوم* (۱۳۱۲)، *سایه روشن* (۱۳۱۳)، *بوف کور* (۱۳۱۵)، *سگ ولگرد* (۱۳۲۲)، *ولنگاری* (۱۳۲۳) و *حاجی آقا* (۱۳۲۴) از سایر آثار او در حوزه داستان‌نویسی به‌شمار می‌روند.

بوف کور، شناخته‌شده‌ترین اثر صادق هدایت است. این رمان به سبک فراواقع‌گرایی نوشته شده و تک‌گویی یک راوی است که دچار توهم و پندارهای روانی است. تمامی رمان از زاویه دید اول‌شخص روایت می‌شود و از دو بخش نسبتاً جدا از هم ساخته شده است. این دو بخش گاه با استفاده از شباهت توصیف‌ها و اشاره‌ها، به هم مربوط می‌شوند. *سگ ولگرد* شامل ۷ داستان با عنوانین: *دن ژوان*، *بن‌بست*، *کاتیا*، *تخت ابونصر*، *تجلی*، *تاریک‌خانه* و *میهن‌پرست* است که در مجموعه‌ای به نام *سگ ولگرد* انتشار یافته‌اند.

صادق چوبک نیز یکی از پیشگامان داستان‌نویسی نوین ایرانی است. اکثر داستان‌های وی حکایت تیره‌روزی مردمی است که اسیر خرافه و نادانی بوده و پایبند به مذهب خویش هستند: «چوبک با توجه به خشونت رفتاری‌ای که در طبقات فرودست دیده می‌شد، سراغ شخصیت‌ها و ماجراهایی می‌رفت که هر کدام بخشی از این رفتار را بازتاب می‌دادند» (سپانلو، ۱۳۸۷: ۱۰۵) چوبک طنزی گزنده داشت که آکنده از مایه‌های هنری بود: «او در داستان‌های نخستین خود، از واقعیت‌های زندگانی اجتماعی سخن می‌گوید، از فساد و ابتذال پرده برمی‌دارد و آن را در تصویرهای هنری نشان می‌دهد» (دستغیب، ۱۳۵۱: ۷-۹).

در این پژوهش دو کتاب *تنگسیر* و *سنگ صبور* از این نویسنده انتخاب شده است. *تنگسیر* داستان مردی دلاور به نام «زایر محمد» است که در کنار «علی دلواری» در جنگ‌های «تنگسیر» علیه انگلیسی‌ها جنگیده است. افرادی دارایی او را برای شراکت گرفته و از برگرداندن آن اجتناب می‌کنند. دلاور تنگستانی برای صیانت از غیرت و مردانگی خود، علی‌رغم باور دینی استوارش، تصمیم بر انتقام

می‌گیرد. سنگ صبور نیز روایت افرادی است که در اتاق‌هایی مجزا در یک خانه زندگی می‌کنند و زنی از اهالی خانه، به نام «گوهر» ناپدید می‌شود. داستان از غیاب «گوهر» شروع شده و با یافتن جنازه‌اش در خانه «سیف‌القلم» خاتمه می‌یابد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تابوی زبانی (دشواژه)

لفظ «تابو» از یک زبان «پولینزیایی» به نام «تونگان» گرفته شده است. اولین بار تابو را کاپیتان «جیمز کوک» در سفرش به «تانگیا» در سال ۱۳۷۷ میلادی در زبان انگلیسی به کار برد که در ابتدا به معنی مقدس و لمس‌ناپذیر بود و بعدها برای منیفات، محرمات و مقدسات به کار برده شد. تابو در عربی، به مفهوم حرام است؛ همچنین این واژه، مترادف با نجس و پلید است (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۲۲۸). آرلاتو (همانجا) مفهوم و کاربرد تابو را محدود به جوامع ابتدایی ندانسته و معتقد است که در جوامع انسانی، نام‌بردن از یک شیء ممکن است موجب ناراحتی فردی شود یا آن شیء را زیر نفوذ گوینده قرار دهد. تابو در مفهوم عام، به کلیه رفتارهای اجتماعی ممنوع اطلاق می‌شود و این ممنوعیت براساس نگرش فرهنگی - اجتماعی جامعه نسبت به رفتارهای خاص شکل گرفته است. تابوهای اجتماعی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که تابوهای بدنی، تابوهای رفتاری و تابوهای زبانی یا «دشواژه» را شامل می‌شود. دشواژه مجموعه گسترده‌ای از کلمات را در برمی‌گیرد که بیان و یا حتی اشاره کردن به آن‌ها از جنبه اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، نوعی بی‌ملاحظگی به شمار می‌رود؛ بنابراین دشواژه نباید بر زبان آورده شود (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۲۲۹).

«در هر زبان واژه‌ها و اصطلاحاتی وجود دارند که دارای صورت یا مفهومی ناخوشایند، نامطلوب و یا غیرمؤدبانه هستند؛ به همین دلیل اعضای جامعه زبانی از کاربرد صریح و مستقیم آن‌ها اجتناب می‌کنند؛ این قبیل صورت‌ها، محرمات یا تابوهای زبانی یا دشواژه نامیده شده‌اند» (مدرسی، ۱۳۸۷: ۷۹). دشواژه‌ها کلمات و اصطلاحاتی هستند که به دلیل داشتن بار معنایی منفی ذکر نمی‌شوند که به کاربرد آن‌ها، باعث شرمساری و واکنش منفی از سوی جامعه می‌شود. به‌طور کلی «ذکر اعضای تناسلی، ذکر مدفوعات بدن و عمل دفع و محل آن‌ها، صحبت درخصوص ناسزاها، الفاظ رکیک و مسائل جنسی را می‌توان در شمار دشواژه‌ها محسوب کرد» (اریاب، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

به‌زعم «وارداف» (۱۹۹۲) این شرایط اجتماعی است که باعث شکل‌گیری دشواژه‌ها می‌گردد. وی دشواژه را کلمه‌ای تعریف می‌کند که در زبان از به‌کاربردن آن پرهیز می‌شود؛ در نتیجه آن کلمات معین نباید گفته شوند و یا به آن‌ها اشاره شود؛ در واقع در شرایطی خاص به‌کاربردن این واژه‌ها، معیاری را که

براساس ارزش‌های زبانی بناشده، نقض می‌کند و به قوانین اخلاقی جامعه آسیب می‌رساند و مردم اعتقاد دارند که چنین چیز نامطلوبی برای آن‌ها نتایج زیان‌آوری به بار خواهد آورد. «ترادگیل» (۱۳۷۶: ۴۱) نیز به‌کاربردن دشواژه‌ها را به‌عنوان فحش، نشان‌دهنده قدرت می‌داند. استفاده از دشواژه‌ها در بافت‌های غیرمجاز کلام با توجه به ذهنیت مخاطبان از برخی واژه‌ها، به واکنش تندی از قبیل انزجار و وحشت می‌انجامد.

۲-۲. رویکرد وارداف به دشواژه

«وارداف» در کتاب خود تحت عنوان مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی اجتماعی بیان می‌کند که «معنا به‌طور خاص، در مورد چگونگی بیان معانی فرهنگی در زبان بوده است؛ اما از زبان برای جلوگیری از گفتن برخی چیزها و همچنین بیان آن‌ها استفاده می‌شود. برخی از موارد گفته نمی‌شوند، نه به این دلیل که نمی‌توانند باشند بلکه به این دلیل که مردم درباره آن چیزها صحبت نمی‌کنند یا اگر به آن‌ها اشاره شود، با کنایه صحبت می‌شود. در اولین مورد، ما نمونه‌هایی از تابوی زبانی یا همان دشواژه‌ها را داریم؛ تابو ممنوعیت یا اجتناب از رفتار در هر جامعه‌ای است که برای اعضای آن مضر است؛ زیرا باعث اضطراب، شرمساری یا خجالت آن‌ها می‌شود. این یک محدودیت بسیار قوی در رابطه با ادب است؛ در نتیجه تا آنجاکه به زبان مربوط می‌شود، برخی از سخنان گفته نمی‌شوند و یا به برخی از اشیاء، فقط در شرایط خاص می‌توان اشاره کرد» (وارداف، ۱۹۹۲: ۲۳۸-۲۴۰). البته همیشه کسانی هستند که برای شکستن تابوها و دشواژه‌ها در تلاشند تا آزادی خود را از چنین محدودیت‌های اجتماعی نشان دهند یا آن‌ها را غیرمنطقی و غیرمعمول جلوه دهند. این افراد با استفاده از این واژه‌ها در گفته‌های خود و همین‌طور در آثار خود از قبیل رمان‌ها و نوشته‌های ادبی تلاش دارند تا آزادی خود را از محدودیت‌های اجتماعی نشان دهند. طبق نظر وارداف، تابوهای زبانی حالات مختلفی را شامل می‌شود: «از جمله: حالات جنسی، مرگ، دفع و عملکردهای بدنی، امور دینی و مسائل مذهبی، سیاست، مسائل مربوط به خانواده، مواردی مربوط به حیوانات و همچنین موارد عمومی که متفاوت از حوزه‌های اشاره شده است؛ مانند نکبت، پست، دروغگو و ... در فارسی» (همان: ۲۳۸).

وارداف در ادامه اشاره می‌کند که «تابوهای زبانی، گاهی برای جلب توجه و یا برای نشان‌دادن خشونت یا شهوت و یا برای تمسخر قدرت و یا طبق نظر فروید، گاهی به‌عنوان شکلی از اغوای کلامی، یعنی برای قبیح صحبت کردن نقض می‌شوند. مجازات نقض تابوها ممکن است شدید باشد؛ زیرا ناسزاگویی و توهین به مقدسات، هنوز در بسیاری از قوانین، جرم هستند؛ اما به‌ندرت احتمال دارد که به قیمت جان انسان تمام شود، درحالی‌که نقض تابوهای غیرزبانی، مانند تابوهای زنا با محارم، ممکن است در بعضی نقاط معین از جهان، به قیمت جان تمام شود» (همانجا). در این پژوهش سعی شده

است تا دشواژه‌های به‌کاررفته در داده‌ها، از رویکرد وارداف استخراج شود و از این راه به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود.

۲-۳. جنسیت و جایگاه اجتماعی

«ترادگیل» (۱۳۷۶: ۱۲۶) معتقد است که جامعه، نقش‌های متفاوتی را برای زنان و مردان قائل است. علت پیدایش گونه‌های جنسیتی آن است که زبان به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، رابطه تنگاتنگی با طرز تلقی اجتماعی دارد. مردان و زنان از آنرو از نظر اجتماعی تفاوت دارند که جامعه، نقش اجتماعی متفاوتی برای آنان تعیین می‌کند و الگوهای رفتاری متفاوتی را از آنان انتظار دارد و زبان این تفاوت را منعکس می‌کند. یکی از حوزه‌هایی که انتظار می‌رود زنان و مردان، رفتار زبانی متفاوتی داشته باشند، حوزه کاربرد دشواژه‌ها است.

۳. بحث و بررسی

در این بخش، به توصیف داده‌های استخراج‌شده از پیکره می‌پردازیم و دشواژه‌های موجود در آن را استخراج و دسته‌بندی می‌کنیم.

۳-۱. توصیف داده براساس نوع، بسامد و تکرار دشواژه‌ها و جنسیت شخصیت‌ها

دشواژه‌ها به تفکیک حوزه‌های واژگانی و برحسب تکرار و بسامد وقوع آن‌ها در داستان‌ها، براساس رویکرد نظری وارداف (۱۹۹۲) طبقه‌بندی شده‌اند؛ همچنین بسامد استفاده از آن‌ها توسط جنسیت‌های مرد و زن نشان داده شده است.

۳-۱-۱. بوف کور

جدول شماره (۱) داده‌های استخراج‌شده از بوف کور را نشان می‌دهد که در آن، صادق هدایت به‌صورت تک‌گویی، راوی داستان است و در آن، به بیان حالات توهم و پندارهای روانی خود می‌پردازد.

جدول (۱) دشواژه‌های شخصیت‌های مرد در بوف کور به تفکیک حوزه واژگانی

| حوزه واژگانی | دشواژه‌ها | تکرار | درصد |
|--------------------|----------------------|-------|-------|
| بیماری | زهرآلود - چندش‌انگیز | ۱۰ | ۹,۶٪ |
| جنسی | حشری | ۱۱ | ۱۰,۵٪ |
| جنسی و خانوادگی | جاکش | ۱ | ۰,۹٪ |
| حالات دفعی | لجن - شاش | ۹ | ۸,۶٪ |
| حالات روانی - جسمی | احمق - آدم مجنون | ۱۹ | ۱۸,۲٪ |
| حیوانات | یابو - خریت | ۱۰ | ۹,۶٪ |

| | | | |
|-------------------|-------------------|-----|-------|
| حیوانات و خانواده | - | ۰ | ٪۰ |
| خانواده | بی‌حیا- فاسق | ۶ | ٪۵,۷ |
| عمومی | پست- نکبت | ۱۶ | ٪۱۵,۳ |
| مذهب | به درک- نفرین‌زده | ۵ | ٪۴,۸ |
| مرگ | دهن‌مرده- مثل‌گور | ۱۷ | ٪۱۶,۳ |
| جمع کل | - | ۱۰۴ | ٪۱۰۰ |

به‌دلیل حضور نداشتن زنان در این داستان، تمام موارد استفاده از دشواژه‌ها، مربوط به جنسیت مرد با بسامد ۱۰۴ است.

جدول (۲) بسامد وقوع دشواژه بر حسب جنسیت در بوف کور

| جنسیت | تعداد شخصیت | بسامد دشواژه‌ها | درصد دشواژه‌ها |
|-------|-------------|-----------------|----------------|
| مرد | ۱ | ۱۰۴ | ٪۱۰۰ |
| زن | ۰ | ۰ | ٪۰ |

۳-۱-۲. سگ و لگرد

۳-۱-۲-۱. دشواژه‌های شخصیت‌های مرد در سگ و لگرد

باتوجه به جدول شماره (۳) که دشواژه‌های استفاده‌شده توسط شخصیت‌های مرد کتاب سگ و لگرد را نشان می‌دهد، می‌توان گفت که در داستان سگ و لگرد، بیشترین میزان دشواژه‌ها، مربوط به حوزه عمومی، به میزان ۳/۳۸٪ و با تعدد ۳۳ نمونه است؛ همین‌طور کمترین حوزه نیز مربوط به حوزه مذهب با بسامد ۱/۱٪ و حوزه جنسی و خانوادگی با بسامد ۲/۲٪ است. در داستان سگ و لگرد، استفاده دشواژه‌ها از زبان شخصیت مرد، نشان‌دهنده آن است که از دید هدایت، حالات روانی و مرگ که در نتیجه پریشانی و به‌هم‌ریختگی شخصیتی از فرد بروز می‌کند، در جنسیت مردان همواره خود را نشان می‌دهد. دشواژه‌هایی که حالات درونی مردان داستان سگ و لگرد را نشان می‌دهند، بیشتر مربوط به حوزه عمومی، روانی و مرگ هستند.

جدول (۳) دشواژه‌های شخصیت‌های مرد سگ و لگرد به تفکیک حوزه واژگانی

| حوزه واژگانی | دشواژه‌ها | تکرار | درصد |
|-------------------|------------------|-------|------|
| بیماری | کوری- زهرآلود | ۳ | ٪۳,۴ |
| جنسی | پستان- گشادبازی | ۶ | ٪۶,۹ |
| جنسی و خانوادگی | ضعیفه- خوارتو | ۲ | ٪۲,۳ |
| حالات دفعی | لجن- چرک | ۷ | ٪۸,۱ |
| حالات روانی- جسمی | حمال- جانی | ۱۹ | ٪۲۲ |
| حیوانات | مٹ سگ- میمون پیر | ۸ | ٪۹,۳ |
| حیوانات و خانواده | - | ۰ | ٪۰ |

| | | | |
|---------|-----------------|----|-------|
| خانواده | عیاش - زن رند | ۳ | ۳,۴٪ |
| عمومی | بدمسب | ۳۳ | ۳۸,۳٪ |
| مذهب | جهنم - جهنم‌دره | ۱ | ۱,۱٪ |
| مرگ | لاشه - نعش | ۴ | ۴,۶٪ |
| جمع کل | | ۸۶ | ۱۰۰٪ |

۳-۲-۱. دشواژه‌های شخصیت‌های زن در سگ ولگرد

همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، بیشترین دشواژه‌ها مربوط به حوزه عمومی با ۴۲,۱٪ و حوزه حالات روانی - جسمی با درصد ۳۶,۸٪ است؛ بنابراین، همانند داستان یوف کور، به علت حضور کم شخصیت زن، در داستان سگ ولگرد نیز می‌توان بیان کرد که از دید هدایت، شخصیت فرد چه زن باشد و چه مرد، همواره درگیر حالات روحی - روانی عصر خود بوده و از هر اصطلاحی و یا واژه‌ای استفاده می‌کند تا بتواند احساسات درونی خود را نشان دهد.

جدول (۴) دشواژه‌های شخصیت‌های زن در سگ ولگرد به تفکیک حوزه واژگانی

| حوزه واژگانی | دشواژه‌ها | تکرار | درصد |
|--------------------|-------------------|-------|-------|
| بیماری | - | ۰ | ۰٪ |
| جنسی | - | ۰ | ۰٪ |
| جنسی و خانوادگی | - | ۰ | ۰٪ |
| حالات دفعی | - | ۰ | ۰٪ |
| حالات روانی - جسمی | حمال - احمق | ۷ | ۳۶,۸٪ |
| حیوانات | خر - مٹ سگ | ۲ | ۱۰,۵٪ |
| حیوانات و خانواده | - | ۰ | ۰٪ |
| خانواده | - | ۰ | ۰٪ |
| عمومی | گمشو - خاک تو سرت | ۸ | ۴۲,۱٪ |
| مذهب | - | ۰ | ۰٪ |
| مرگ | مرده‌شور | ۲ | ۱۰,۵٪ |
| جمع کل | | ۱۹ | ۱۰۰٪ |

جدول شماره (۵) میزان استفاده از دشواژه‌ها را به تفکیک زنان و مردان نشان می‌دهد. باتوجه به داده‌های به‌دست‌آمده، زنان ۱/۱۸٪ و مردان ۹/۸۱٪ دشواژه به‌کار برده‌اند.

جدول (۵) بسامد وقوع دشواژه بر حسب جنسیت در سگ ولگرد

| جنسیت | تعداد شخصیت | بسامد دشواژه‌ها | درصد دشواژه‌ها |
|-------|-------------|-----------------|----------------|
| مرد | ۲۴ | ۸۶ | ٪۸۱٫۹ |
| زن | ۸ | ۱۹ | ٪۱۸٫۱ |

۳-۱-۳. تنگسیر

۳-۱-۳-۱. دشواژه‌های شخصیت‌های مرد در تنگسیر

جدول شماره (۶) حوزه واژگانی تعیین شده و میزان دشواژه‌های به کاررفته توسط شخصیت‌های مرد کتاب تنگسیر را نشان می‌دهد. داده‌های این بخش، بیانگر آن است که در جهان داستانی چوبک، طبقات فراموش شده جامعه که مردان نیز در آن‌ها حضور پررنگی دارند، با گنجینه واژگانی خاص خود به زبان نویسنده غنا می‌بخشند. شخصیت‌های داستانی چوبک، اغلب افراد شکست خورده و منکوبی هستند که او صدای رسای آن‌هاست. انتشار تنگسیر با تحولات عمیق سیاسی-اجتماعی جامعه ایران مقارن است. در این داستان، به نوعی چوبک از سبک ناتورالیستی فاصله می‌گیرد و اثری با درون‌مایه‌های رئالیستی می‌آفریند؛ لازم به ذکر است که «بسامد دشواژه‌ها در این اثر، به نسبت دیگر اثر او یعنی سنگ صبور کمتر است» (عسگری حسلو، ۱۳۹۴: ۲۰۵).

جدول (۶) دشواژه‌های شخصیت‌های مرد در تنگسیر به تفکیک حوزه واژگانی

| حوزه واژگانی | دشواژه‌ها | تکرار | درصد |
|-------------------|-------------------|-------|-------|
| بیماری | لال شدی | ۱ | ٪۰٫۹ |
| جنسی | تخم- کونش | ۷ | ٪۶٫۷ |
| جنسی و خانوادگی | دیوئا- تخم بابام | ۳ | ٪۲٫۸ |
| حالات دفعی | تف- شاش- گه | ۸ | ٪۷٫۶ |
| حالات روانی- جسمی | بدبخت- بیچاره | ۲۰ | ٪۱۹٫۲ |
| حیوانات | مٹ خر- کفتار پیر | ۱۵ | ٪۱۴٫۴ |
| حیوانات و خانواده | پدرسگ | ۱ | ٪۰٫۹ |
| خانواده | بی غیرت- پدرسوخته | ۴ | ٪۳٫۸ |
| عمومی | دیلاق- نغله | ۲۲ | ٪۲۱٫۱ |
| مذهب | اجنه- به درک | ۱۴ | ٪۱۳٫۴ |
| مرگ | گور- سقط شی | ۹ | ٪۸٫۶ |
| جمع کل | | ۱۰۴ | ٪۱۰۰ |

جدول شماره (۷) میزان استفاده زنان و مردان را از دشواژه‌ها نشان می‌دهد. داده‌ها حاکی از آن است که بیشترین میزان، مربوط به مردان و با درصد ۱۰۰٪ است. گرچه در این داستان تعداد شخصیت‌های زن ۴ نفر بودند؛ هیچ دشواژه‌ای از این شخصیت‌ها در طول داستان بروز نیافته است.

جدول (۷) بسامد استفاده از دشواژه بر حسب جنسیت در تنگسیر

| جنسیت | تعداد شخصیت | بسامد دشواژه‌ها | درصد دشواژه‌ها |
|-------|-------------|-----------------|----------------|
| مرد | ۱۶ | ۱۰۴ | ۱۰۰٪ |
| زن | ۴ | ۰ | ۰٪ |

۳-۱-۴. سنگ صبور

۳-۱-۴-۱. دشواژه‌های شخصیت‌های مرد در سنگ صبور

همان‌طور که در جدول شماره (۸) مشاهده می‌شود، داده‌های جدول نشان‌دهنده آن است که بیشترین میزان تعداد دشواژه، مربوط به حوزه حالات روانی - جسمی با درصد ۲۱٪ و حوزه جنسی با درصد ۲۱٪ است. کمترین تعداد دشواژه نیز به ترتیب، مربوط به بخش حیوانات و خانواده با درصد ۵٪ و بیماری با ۱٪ و بخش خانواده با ۱٪ درصد است.

جدول (۸) دشواژه‌های شخصیت‌های مرد در سنگ صبور به تفکیک حوزه واژگانی

| حوزه واژگانی | دشواژه‌ها | تکرار | درصد |
|--------------------|-----------------------|-------|-------|
| بیماری | انگل - افلیج | ۳ | ۱٫۵٪ |
| جنسی | کون آسمون | ۴۱ | ۲۱٫۴٪ |
| جنسی و خانوادگی | دیوث - قرمساق | ۹ | ۴٫۷٪ |
| حالات دفعی | لجن - شاش | ۲۱ | ۱۰٫۹٪ |
| حالات روانی - جسمی | احمق - بدبخت | ۴۲ | ۲۱٫۹٪ |
| حیوانات | خر - گاو - سگ | ۳۰ | ۱۵٫۷٪ |
| حیوانات و خانواده | پدر سگ | ۱ | ۰٫۵٪ |
| خانواده | بی شرف - گیس بریده | ۳ | ۱٫۵٪ |
| عمومی | لندهور - مردکه | ۱۵ | ۷٫۸٪ |
| مذهب | به درک - حرومزاده | ۱۲ | ۶٫۲٪ |
| مرگ | برو گمشو - خاک تو سرش | ۱۳ | ۶٫۸٪ |
| جمع کل | | ۱۹۰ | ۱۰۰٪ |

۳-۱-۲. دشواری‌های شخصیت‌های زن در سنگ صبور

جدول شماره (۹) حوزه واژگانی تعیین شده و میزان تعداد دشواری‌ها را توسط شخصیت‌های زن در کتاب سنگ صبور نشان می‌دهد. باتوجه به داده‌های این جدول، بیشترین دشواری‌ها مربوط به حوزه جنسی با درصد ۳۲٪ است. کمترین تعداد نیز متعلق به حوزه حیوانات و خانواده و همین‌طور حوزه بیماری با بسامد وقوع ۰٪ و ۰٫۷٪ است. با نگاهی تیزبین به داده‌های این پژوهش، می‌توان مشاهده کرد که ویژگی‌های شخصیت‌های زن داستان سنگ صبور، از خرافه‌پرستی، جهل، بدبختی و ناآگاهی این قشر حکایت دارد که ساختار شخصیتی خود را در استفاده از واژه‌هایی که مربوط به حالات جنسی و روحی- روانی است، نشان داده‌اند.

جدول (۹) دشواری‌های شخصیت‌های زن در سنگ صبور به تفکیک حوزه واژگانی

| حوزه واژگانی | دشواری‌ها | تکرار | درصد |
|-------------------|-------------------|-------|-------|
| بیماری | کره | ۱ | ۰٫۷٪ |
| جنسی | جنده- پتیاره | ۴۲ | ۳۲٫۵٪ |
| جنسی و خانوادگی | جاکش- تخم بواش | ۸ | ۶٫۲٪ |
| حالات دفعی | گوز- گنده | ۱۵ | ۱۱٫۶٪ |
| حالات روانی- جسمی | لندهور- سیاه‌بخت | ۹ | ۶٫۹٪ |
| حیوانات | خر- سگ | ۱۴ | ۱۰٫۸٪ |
| حیوانات و خانواده | | ۰ | ۰٪ |
| خانواده | بی حیا | ۱ | ۰٫۷٪ |
| عمومی | مردک- ذلیل | ۱۵ | ۱۱٫۶٪ |
| مذهب | تخم حروم- حرمزاده | ۸ | ۶٫۲٪ |
| مرگ | مرده‌شور- تن‌شور | ۱۶ | ۱۲٫۴٪ |
| جمع کل | | ۱۲۹ | ۱۰۰٪ |

جدول شماره (۱۰) میزان استفاده از دشواری‌ها را به تفکیک زنان و مردان در کتاب سنگ صبور نشان می‌دهد. باتوجه به داده‌های به دست آمده، مردان ۵۹٫۶٪ و زنان ۴۰٫۴٪ دشواری به کار برده‌اند. باید به این مطلب نیز اشاره کرد که با وجود اینکه تعداد شخصیت‌های مرد و زن در کتاب سنگ صبور به تعداد مساوی ۳ نفر است، باز بسامد وقوع دشواری در گفتار مردان بیشتر از گفتار زنان است.

جدول (۱۰) بسامد وقوع دشواری بر حسب جنسیت در سنگ صبور

| جنسیت | تعداد شخصیت | بسامد دشواری‌ها | درصد دشواری‌ها |
|-------|-------------|-----------------|----------------|
| مرد | ۳ | ۱۹۰ | ۵۹٫۶٪ |
| زن | ۳ | ۱۲۹ | ۴۰٫۴٪ |

۲-۳. دشواژه‌ها در آثار صادق هدایت و چوبک

انواع دشواژه‌هایی که در آثار صادق هدایت و صادق چوبک به کار رفته، در جدول شماره (۱۱) آمده است که این آثار، براساس بسامد وقوع دشواژه‌ها در آن‌ها با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

جدول (۱۱) تعداد دشواژه‌های استفاده‌شده توسط شخصیت‌های داستان‌ها

| نوع دشواژه | بوف کور | سگ ولگرد | تنگسیر | سنگ صبور |
|--------------------|---------|----------|--------|----------|
| بیماری | ۱۰ | ۳ | ۳ | ۴ |
| جنسی | ۱۱ | ۶ | ۴۱ | ۸۳ |
| جنسی و خانوادگی | ۱ | ۲ | ۹ | ۱۷ |
| حالات دفعی | ۹ | ۷ | ۲۱ | ۳۶ |
| حالات روانی - جسمی | ۱۹ | ۲۶ | ۴۲ | ۵۱ |
| حیوانات | ۱۰ | ۱۰ | ۳۰ | ۴۴ |
| حیوانات و خانواده | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ |
| خانواده | ۶ | ۳ | ۳ | ۴ |
| عمومی | ۱۶ | ۴۱ | ۱۵ | ۳۰ |
| مذهب | ۵ | ۱ | ۱۲ | ۲۰ |
| مرگ | ۱۷ | ۶ | ۱۳ | ۲۹ |

باتوجه به جدول شماره (۱۱) می‌توان گفت که دشواژه‌ها در آثار صادق چوبک، به مراتب بسامد بالاتری نسبت به آثار صادق هدایت دارد. صادق هدایت در بوف کور که راوی آن تنها یک شخصیت مرد است، به حالات توهم و پندارهای روانی خود می‌پردازد و برای نشان‌دادن احساسات خود، از دشواژه‌های مربوط به حالات بیماری، جنسی، دفعی و حیوانات استفاده می‌کند. در مجموعه داستان‌های سگ ولگرد که سمبولیک‌ترین اثر صادق هدایت است، حالات روانی و مرگ - که در نتیجه پریشانی و به هم ریختگی شخصیتی که در عین حال، انعکاس حالات فردی راوی است - اهمیت ویژه‌ای دارد. به زعم نگارندگان، سگ ولگرد جستجوی انسانی است که در پی کسب هویت است و می‌خواهد خود را در جامعه تثبیت کند؛ استعاره‌ای که پیرامون تمامی مردان داستان، قابلیت تعمیم دارد.

۲-۳-۱. تفاوت و شباهت کاربرد دشواژه‌ها در آثار هدایت و چوبک

علاوه بر شباهت‌هایی که در آثار این دو نویسنده به چشم می‌خورد، اولین تفاوتی که در آثار این دو نویسنده وجود دارد، مجموع به کار بردن دشواژه‌ها در آثار آن‌هاست. در آثار صادق چوبک، تعداد دشواژه‌های به کار رفته، بیشتر از آثار هدایت است. سپانلو (۱۳۸۷: ۱۲۸) صادق چوبک را یک رئالیست

افراطی و قوی‌ترین نویسنده ایرانی می‌داند که در نقاشی دقیق و جزئیات موضوع، نفس واقعیت - بدون انگیزه‌ها و آرمان‌هایش - برای او هدف است. آثار چوبک، نوعی تحلیل روان‌شناختی و ذهنی از واقعیت‌های اجتماع است و بدین‌منظور در آن‌ها از دشواژه‌ها استفاده زیادی شده است؛ اما بسامد دشواژه‌ها در برخی حوزه‌ها در آثار هدایت بیشتر است؛ برای مثال: دشواژه‌های مربوط به حوزه بیماری، در آثار هدایت سیزده مورد و در داستان‌های چوبک فقط هفت مورد است که این امر می‌تواند به وضعیت بیماری افسردگی خود هدایت مرتبط باشد. همچنین دشواژه‌های حوزه مرگ و حالات روانی- جسمی در آثار هدایت، بیشتر از دشواژه‌های دیگر به‌کار رفته است.

به باور رضی و بهرامی (۱۳۸۵) در آثار صادق هدایت به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با مسئله مرگ روبه‌رو هستیم. تکرار بیش از حد مرگ و حواشی آن در آثار وی، مرگ را به یکی از بن‌مایه‌های اصلی آثار او تبدیل کرده است. این امر در کاربرد زیاد دشواژه‌های حوزه مرگ مشهود است. بسامد کاربرد دشواژه‌ها در آثار هدایت و چوبک در جدول زیر آمده است. باتوجه به جدول شماره (۱۲) مشهود است که بسامد وقوع آن‌ها در آثار صادق چوبک (تنگسیر و سنگ صبور)، به‌مراتب بیشتر از آثار صادق هدایت (بوف کور و سگ ولگرد) است.

جدول (۱۲) بسامد وقوع دشواژه‌ها در آثار هدایت و چوبک

| صادق چوبک | | صادق هدایت | | |
|-----------|--------|------------|---------|-----------------|
| سنگ صبور | تنگسیر | سگ ولگرد | بوف کور | |
| ۳۱۹ | ۱۹۰ | ۱۰۵ | ۱۰۴ | تعداد دشواژه‌ها |
| ۵۰۹ | | ۲۰۹ | | تعداد کل |

۳-۲-۲. بسامد وقوع دشواژه‌ها برای شخصیت‌های زن و مرد در آثار هدایت و چوبک

تفاوت بسامد وقوع دشواژه‌ها برای شخصیت‌های زن و مرد در آثار هدایت و چوبک در جدول شماره (۱۳) آمده است.

جدول (۱۳) دشواژه‌های استفاده‌شده توسط شخصیت‌های زن و مرد داستان

| سنگ صبور | | تنگسیر | | سگ ولگرد | | بوف کور | | نوع دشواژه |
|----------|-------|--------|----|----------|------|---------|-------|-------------------|
| مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن | |
| ۰٫۷٪ | ۱٫۵٪ | ۰ | ۱ | ۰٪ | ۳٫۴٪ | ۰ | ۹٫۶٪ | بیماری |
| ۳۲٫۵٪ | ۲۱٫۴٪ | ۰ | ۷ | ۰٪ | ۶٫۹٪ | ۰ | ۱۰٫۵٪ | جنسی |
| ۶٫۲٪ | ۴٫۷٪ | ۰ | ۳ | ۰٪ | ۲٫۳٪ | ۰ | ۰٫۹٪ | جنسی و خانوادگی |
| ۱۱٫۶٪ | ۱۰٫۹٪ | ۰ | ۸ | ۰٪ | ۸٫۱٪ | ۰ | ۸٫۶٪ | حالات دفعی |
| ۶٫۹٪ | ۲۱٫۹٪ | ۰ | ۲۰ | ۳۶٫۸٪ | ۲۲٪ | ۰ | ۱۸٫۲٪ | حالات روانی- جسمی |
| ۱۰٫۸٪ | ۱۵٫۷٪ | ۰ | ۱۵ | ۱۰٫۵٪ | ۹٫۳٪ | ۰ | ۹٫۶٪ | حیوانات |

| | | | | | | | |
|-------------------|---|-------|---|----|-------|-------|-------|
| حیوانات و خانواده | ۰ | ٪۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ٪۰ | ۰ |
| خانواده | ۰ | ٪۵,۷ | ۰ | ۴ | ۰ | ٪۳,۴ | ٪۰,۷ |
| عمومی | ۰ | ٪۱۵,۳ | ۰ | ۲۲ | ٪۴۲,۱ | ٪۳۸,۳ | ٪۱۱,۶ |
| مذهب | ۰ | ٪۴,۸ | ۰ | ۱۴ | ٪۰ | ٪۱,۱ | ٪۶,۲ |
| مرگ | ۰ | ٪۱۶,۳ | ۰ | ۹ | ٪۴,۶ | ٪۱۰,۵ | ٪۱۲,۴ |

در داستان سنگ صبور، دشواژه‌های جنسی با درصد ۳۲,۵٪ که توسط شخصیت‌های زن استفاده شده‌اند، بیشتر از ۲۱,۴٪ درصدی است که توسط شخصیت‌های مرد داستان استفاده شده است. صادق هدایت در آثار خود (بوف کور و سنگ ولگرد)، به حالات توهم و پندارهای روانی می‌پردازد و برای نشان دادن احساسات خود از دشواژه‌های مربوط به حالات بیماری، جنسی، دفعی و حیوانات استفاده می‌کند. گرچه حضور زنان در نوشته‌های صادق هدایت بسیار کم است؛ اما این ویژگی‌ها در شخصیت‌های زن داستان نیز مشاهده می‌شود. چوبک در تنگسیر با به‌تصویر کشیدن چهره مردان و بیان ویژگی‌های روانی و جسمی آن‌ها، حالات روانی‌شان را به تصویر می‌کشد؛ مردانی که برای رهایی از این حالات، تنها راه را جدایی یا مرگ می‌پنداشتند؛ اما در سنگ صبور، شخصیت‌های مرد و زن، درگیر مسائل جسمی، روانی و همین‌طور جنسی بوده و بیان دردها و رنج‌های خود را به‌صورت دشواژه‌های روانی- جسمی و همین‌طور بخش مربوط به جنسی نشان داده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های پژوهش حاکی از آن است که دشواژه‌ها در آثار صادق چوبک، به‌مراتب بسامد بالاتری نسبت به آثار صادق هدایت دارند؛ برای مثال، دشواژه‌های جنسی با بسامد متفاوت در آثار هر دو (تنگسیر ۴۱ مورد و سنگ صبور ۸۳ مورد و در بوف کور ۱۰ مورد و سنگ ولگرد ۳ مورد) به‌کار رفته‌اند. دشواژه‌هایی که در داستان سنگ ولگرد هدایت به‌کار رفته، فقط مربوط به حالات روانی- جسمی با ۳۶,۶٪ است و دشواژه‌های عمومی نیز با بسامد ۳۸,۳٪ درصد به‌کار رفته است. در آثار صادق هدایت، فقط ۴ دشواژه (روانی- جسمی، عمومی، مرگ و حیوانات) توسط شخصیت‌های زن استفاده شده است. در داستان سنگ صبور، دشواژه‌های جنسی با بسامد ۳۲,۵٪ درصد که توسط شخصیت‌های زن استفاده شده‌اند، بیشتر از میزانی است که توسط شخصیت‌های مرد داستان، مورد استفاده شده است. ۲۱,۴٪ دشواژه‌های دیگری که زنان بیشتر از مردان در گفتار خود استفاده کرده‌اند، مربوط به حالات دفعی بوده که در زنان با ۱۱,۶٪ درصد و در مردان ۱۰,۹٪ است. از طرفی دیگر، دشواژه‌های مربوط به مرگ نیز در گفتار زنان، ۱۲,۴٪ بوده که در مقایسه با مردان، ۶,۸٪ بیشتر است که از بسامد وقوع بیشتری در بین زنان برخوردار است. صادق هدایت در بوف کور که راوی آن تنها یک شخصیت مرد است، به توهمات و پندارهای روانی خود می‌پردازد و برای نشان‌دادن احساسات خود، از دشواژه‌های مربوط به حالات

بیماری، جنسی، دفعی و حیوانات استفاده می‌کند. در داستان سنگ و لگرد نیز استفاده دشواژه‌ها از زبان شخصیت مرد، نشان‌دهنده آن است که از دید هدایت، حالات روانی و مرگ که در نتیجه پریشانی و به-هم‌ریختگی ذهنی از فرد بروز می‌کند، در مردان همواره خود را نشان می‌دهد. به نظر نگارندگان، سنگ و لگرد جستجوی انسانی است که در پی کسب هویت است که می‌خواهد خود را در جامعه تثبیت کند. استعاره‌ای که درباره تمامی مردان داستان، قابلیت تعمیم دارد.

در مورد شخصیت‌های زن داستان، با توجه به حضور کم‌رنگ آن‌ها، می‌توان گفت که از دید هدایت، شخصیت فرد چه زن باشد و چه مرد، همواره درگیر مشخصه‌های روانی عصر خود است و از هر اصطلاحی یا واژه‌ای استفاده می‌کند تا بتواند احساسات درونی خود را نسبت به حالات روانی و آشفته نشان دهد. در سنگ صبور، صادق چوبک با به‌تصویرکشیدن چهره مردان و بیان ویژگی‌های روانی و جسمی آن‌ها، حالات روانی آنان را به تصویر می‌کشد. آن‌ها برای رهایی از این حالات، تنها راه را جدایی یا مرگ می‌پنداشتند و بیان درد و رنج خود را به صورت دشواژه‌های روانی - جسمی و همین‌طور دشواژه‌های جنسی نشان می‌دادند. شخصیت‌های زن داستان سنگ صبور نیز درگیر خرافه‌پرستی، جهل و ناآگاهی بوده و ویژگی‌های شخصیتی خود را با استفاده از واژه‌هایی که مربوط به حالات جنسی و روحی - روانی است، شکل داده‌اند. در جهان داستانی چوبک، طبقات فراموش‌شده جامعه که مردان نیز در آن‌ها حضور پررنگی دارند، با گنجینه واژگانی خاص خود به زبان نویسنده غنا می‌بخشند. شخصیت‌های داستانی چوبک، اغلب افراد شکست‌خورده و منکوبی هستند که او صدای رسای آن‌هاست؛ در واقع، آثار چوبک، نوعی تحلیل روان‌شناختی و ذهنی از واقعیت‌های اجتماع است.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- احمدآبادی، یوسف. (۱۳۸۰). *بر مزار صادق هدایت*؛ ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران: آگاه.
- ترادگیل، پیتر. (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی*، در *آمدی بر زبان و جامعه*؛ ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگاه.
- جانلو، محمد. (۱۳۸۰). *بازنویسی بوف کور در گزارش به نسل بی سن فردا*؛ تهران: مرکز.
- چوبک، صادق. (۱۳۵۱). *تنگسیر*؛ چاپ چهارم، تهران: جاویدان.
- (۱۳۴۵). *سنگ صبور*؛ چاپ سوم، تهران: جاویدان.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۵۱). *نقد آثار صادق هدایت / چوبک*؛ تهران: مرکز نشر سپهر.
- - عسگری حسنلو، عسگر. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی رمان فارسی*، تهران: نگاه.
- مجلسی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *نقد و تفسیر آثار صادق هدایت*؛ تهران: نشر ژرف.

-- مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*؛ چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

-- هدایت، صادق. (۱۳۵۰). *بوف کور*؛ تهران: امیرکبیر.

----- (۱۳۴۲). *سگ ولگرد*؛ تهران: امیرکبیر.

مقاله‌ها

- ارباب، سپیده. (۱۳۹۱). «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»؛ *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، سال دوم، شماره ۴: ۱۰۷-۱۲۴.

- آرلاتو، آنتونی. (۱۳۷۳). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*؛ ترجمه یحیی مدرسی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- تیموری، کاوه. (۱۳۹۸). «نگارش دوسطری‌های زیبا و پرمعنا»؛ *مجله رشد آموزش هنر*، شماره ۵۴: صص ۵۶-۶۳.

رضی، احمد و مسعود بهرامی. (۱۳۸۵). «زمینه‌ها و عوامل نومیدی صادق هدایت»؛ *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۱۱: صص ۹۳-۱۱۴.

- سپانلو، محمدعلی. (۱۳۸۷). *نویسندگان پیشرو ایران از مشروطیت تا ۱۳۵۰ (تاریخچه رمان - قصه کوتاه)*؛ تهران: کتاب زمان.

- شکبیا، مهدی. (۱۳۸۱). «نقد مکتبی داستان‌های صادق هدایت»؛ *مجله بوستان ادب*، دوره دوم، شماره سوم: صص ۱۴۳-۱۷۸.

مدرس خیابانی، شهرام. (۱۳۹۲). «بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز سیما»؛ *مطالعات سبک زندگی*، شماره ۲: صص ۵۷-۷۶.

- معدنی، میترا. (۱۳۷۸). «مروری اجمالی بر تابوی زبانی و انواع آن»؛ *مجله زبان‌شناسی*، سال چهاردهم، شماره اول و دوم: صص ۶۵-۷۲.

- هدایت، جهانگیر. (۱۳۷۷). «نگاهی به زوایای ناشناخته زندگی صادق هدایت»؛ *نشریه گزارش*، شماره ۸۹: صص ۷۶-۷۹.

- منابع لاتین

-Fishman, J. (1971). *The sociology of language: An Intredisciplinay social science approach to language in sociology*. Berlin: Rudolf hubler.

-Wardhaugh, R. (1992). *An Introduction to Sociolinguistics*. Oxford: BlackwellPublishing